



رابطه وحدت، عدالت و وفای به عهد با نظم از منظر قرآن

قرآن مجید به موضوعاتی چون وحدت، حاکمیت عدالت و وفای به عهد تأکید فرموده که اگر رعایت گردند منجر به نظم در جامعه می شود و بی توجهی به آنها می تواند منشاء بی نظمی و ناپایداری شود.

قرآن مجید به موضوعاتی چون وحدت، حاکمیت عدالت و وفای به عهد تأکید فرموده که اگر رعایت گردند منجر به نظم در جامعه می شود و بی توجهی به آنها می تواند منشاء بی نظمی و ناپایداری شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، قرآن مجید به عنوان کتاب نور و هدایت جنبه های متعدد پی ریزی جامعه سالم را تبیین و اصول آن را روشن ساخته است. با توجه به بدیهی و ضروری بودن استقرار نظم، قرآن کریم به اموری که استحکام این فریضه کمک می نماید، توصیه نموده و از اموری که به آن آسیب برساند بر حذر می دارد. اینک به اجمال به بررسی آیاتی می پردازیم که عمل به آن به برقراری نظم کمک می نماید.

رابطه نظم با حفظ وحدت

تأکید قرآن کریم بر وحدت بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست. وحدت اساس دین اسلام است و مهمتر آن که اصل خلقت دو جهان است. هستی بخشی یکی است "لا اله الا الله" و او اول و آخر و ظاهر و باطن است، مبدا همه چیز او است و معاد اوست. آن حقیقت واحد اساس آفرینش است و جهان را چنان آفریده که هیچ چیز نمی تواند در عرض او قرار بگیرد. هم او به انسان از روح خویش دمیده و به او عقل و وجدان عطا کرده و هم او شرایع را نازل نموده است تا با اطاعت از صاحبان شرایع، اطاعت او کرده و به او نزدیک شوند. اطاعت از صاحبان شرایع در طول اطاعت از شارع اصلی است و اعتبار هر صاحب ولایتی به این است که در طول اراده تشریعی خداوند حکم نماید، زیرا خارج از آن، کسی را بر دیگری توان حکم راندن نیست.

وحدت حاکم بر هستی بر جامعه نیز حاکم است. مردمان با یکدیگر برابر و درآفرینش یکسانند. ولایت بر آنان از آن خداوند و کسانی است که در طول ولایت او حکمرانی نمایند. قرآن مجید در این مورد می فرماید: به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید. آن چیزی که در این آیه از او به حبل الله یا ریسمان الهی تعبیر شده محور وحدت است.

وحدت جامعه اسلامی مطلوب و بلکه امر شارع مقدس است. خداوند ضمن بر حذر داشتن مومنان از اختلاف و تفرقه کسانی را که راه تفرقه پیش گرفتند نسبت به عذابی بزرگ انداز داده و می فرماید همانند آنانی که بعد از آنکه دلایل روشن بر ایشان نازل شد پراکنده شدند و اختلاف نمودند نباشید. آنها کسانی هستند که برایشان عذابی بزرگ است. این عذاب دردناک هم می تواند اخروی و هم می تواند دنیوی باشد.

نظم و حاکمیت عدالت

عدالت هم ارزش ذاتی دارد و هم زمینه را برای زندگی سالم اجتماعی و ایجاد نظم و امنیت فراهم می نماید. ارزش ذاتی عدالت بر کسی پوشیده نیست. خداوند همه انسانها را از یک سرشت آفریده و به همگان عقل و وجدان داده است. با این حال نباید از نقش و اهمیت عدالت در ایجاد امنیت و نظم و گسترش روحیه برادری غافل بود.

قرآن کریم در مورد حاکمیت عدالت در قضاوت و اطاعت از خدا و رسولش و ارجاع اختلاف به آنان می فرماید خداوند شما را امر می نماید به اینکه امانات را به اهلش بسپارید و زمانی که بین مردم حکم می نمایید بر اساس عدالت حکم نمایید، خداوند شما را به آن سفارش می نماید به درستی که خداوند شنوا و بیناست. ای کسانی که ایمان آوردید خدا را و پیامبر را و اولی الامر را اطاعت نمایید و زمانی که در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و رسول خدا ارجاع دهید. ای رسول قسم به پروردگارت که آنان ایمان نمی آورند مگر آنکه در اختلافات خویش تو را قاضی دهند.

یکی از آثار مهم اطاعت از خدا و رسول برقراری نظم و حفظ جامعه از ناامنی و هرج و مرج است. عدالت هنگامی که مبنای مصالحه و

قضاوت قرار گیرد اساس اختلافات و درگیری ها را از بین برده و زمینه امنیت نظم و آسایش پایدار را فراهم می آورد.

وفای به عهد

پایبندی به قراردادهای و پیمانها اساس نظم اجتماعی است و اساسا زمانی که یک طرف قرارها و تعهدات خود را زیر پا می گذارد، اعتماد به عنوان بنیان اجتماع، از بین رفته و نظم اجتماعی در معرض تهدید قرار می گیرد. این یک اصل بدیهی است که هر شخص باید به آنچه تعهد سپرده عمل نماید و بر آنچه که به عهده گرفته پایبند باشد در غیر این صورت روابط اجتماعی از شکل طبیعی خارج شده و گذشته از جنبه اخلاقی آن، امنیت اقتصادی و نظم از بین می رود.

در قرآن کریم به ایفای تعهد و پایبندی به پیمانها و قرارها تاکید بسیار شده است. آیات مبارکه 91 تا 94 سوره نحل می فرماید؛ هنگامی که با خدا عهد بستید به عهد او وفا کنید و سوگندهایتان را بعد از تاکید نشکنید در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر خود قرار داده اید. خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است. همانند آن زن نباشید که پشم های تابیده خود را پس از استحکام وای می تابید. سوگندهای خود را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید....و برای شما عذاب عظیم خواهد بود.

گرچه مفسران در مورد کلمات "عهدالله" و "ایمان" تفسیرهای متفاوتی نموده اند به طوری که عده ای منظور از کلمه "عهدالله" را پیمانی دانسته اند که مسلمانان با خدا بسته اند. لیکن در این که کلمه "ایمان" جمع یقین به معنی سوگند در آیه مذکور معنای وسیع تری داشته و شامل تعهدی که انسان با خدا بسته است و سایر تعهداتی که با تکیه و تاکید بر قسم می بندد نیز می شود تردیدی وجود ندارد.

وفای به عهد مکررا در آیات قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. این مسئله چنان با اهمیت است که حضرت علی(ع) در نامه ای به مالک اشتر نخعی می نویسد؛ و اگر با دشمن پیمان نهادهی و در ذمه خود او را امان دادی به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا کن و خود را چون سپری برابر پیمان بر پادار، چه مردم با همه هواهای گوناگونی که دارند و آرای مختلفی که در میان آورند بر هیچ چیز از واجبات خدا چون بزرگ شمرد وفای به عهد همداستان و متفق القول نباشند و مشرکان نیز جدا از مسلمانان وفای به عهد را در میان خود لازم می شمردند، زیرا زبان پایان ناگوار پیمان شکنی را بردند.

حضرت در این نامه از وفای به عهد به یک واجب الهی تعبیر می کند که همگان در آن متفق القول هستند و علت آن زیانهای بزرگی است که از نقض آن متوجه جامعه می شود که مهمترین فروپاشی امنیت و نظم جامعه است.